

گزارش پانزدهمین نشست فرهنگی سرزمین مادری

9

بیست و چهارمین دورهمی فرهنگی سرای فرهنگ و رسانه

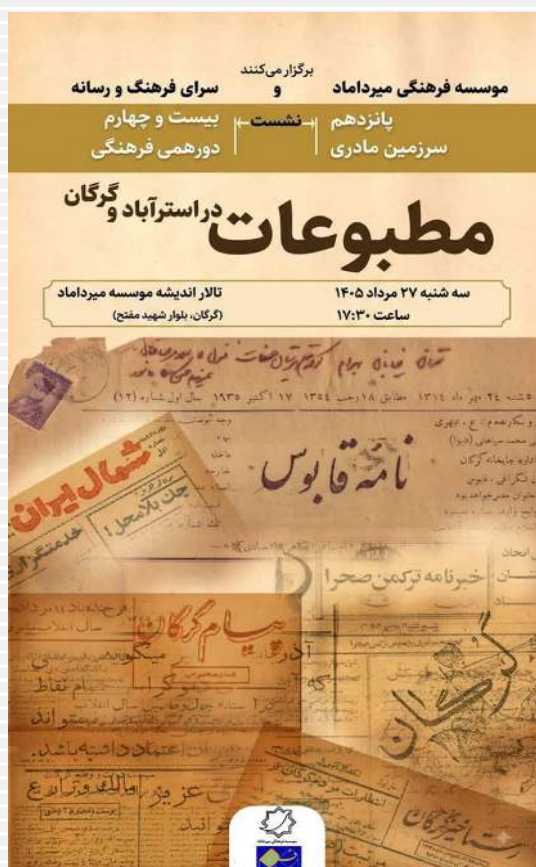
مطبوعات در سرزمین استرآباد و گرگان

روایتی متفاوت از تاریخ مطبوعات سرزمین استرآباد و گرگان، باتکیه بر اسناد تاریخی

■ مریم محمدشفیع

خبرنگار و مدیر اجرایی

فصلنامه میرداماد



■ یادداشت نخست

عصر سه‌شنبه ۲۷ مردادماه ۱۴۰۵، تالار اندیشه مؤسسه فرهنگی میرداماد گران میزبان جمعی از اهالی رسانه، پژوهشگران و علاقه‌مندان به تاریخ سرزمین گران و استرآباد بود. گروه فرهنگی «نشست‌های آشنایی با سرزمین مادری» با همکاری و مشارکت گروه فرهنگی «دورهمی‌های سرای فرهنگ و رسانه» به مناسبت روز خبرنگار (۱۷ مردادماه) نشست مشترک را با عنوان «مطبوعات در استرآباد و گران»، پیرامون بررسی و معرفی پیشینه فعالیت‌های مطبوعاتی در استرآباد و گران از دوره قاجار، تا پیروزی انقلاب ۱۳۵۷ برگزار کرد. برنامه‌ی پانزدهمین نشست فرهنگی «آشنایی با سرزمین مادری» و بیست‌و‌چهارمین دورهمی فرهنگی «سرای فرهنگ و رسانه»، شامل دو قسمت عمده بود؛ بخش نخست شامل ارائه پژوهشی و گفت‌وگوی شفاهی پیرامون تاریخ مطبوعات سرزمین گران و بخش دوم نیز شامل بازدید از نمایشگاه و ارائه توضیحات حین بازدید. در ابتدای نشست، رحمت‌اله رجائی، مجری‌کارشناس برنامه، ضمن خوش‌آمدگویی و تبریک روز خبرنگار، به هم‌زمانی این رویداد با نودویکمین سالگرد انتشار نخستین نشریه گران («نامه قابوس» توسط محمدعلی‌خان عبهری در ۱۵ مرداد ۱۳۱۴) اشاره کرد. او هدف نشست را پاسداشت زحمات فعالان فرهنگ و مطبوعات در منطقه دانست و ابراز امیدواری کرد که این حرکت فرهنگی در سطح استان و کشور تداوم یابد. در مقدمه‌ی بخش اصلی برنامه، که ارائه گزارشی پژوهشی از تاریخ مطبوعات سرزمین گران بود، بُرشی از فیلم مستند «اون شب که بارون اومد» (داستان روستازاده گرگانی) ساخته کامران شیردل، مستندساز شناخته‌شده ایرانی (تهیه شده در سال ۱۳۴۷ خورشیدی)، برای حاضران پخش شد؛ مستندی که بر پایه یک چالش خبری میان دفتر نمایندگی روزنامه کیهان و نشریه محلی «شمال ایران» در گران دهه پنجاه شکل گرفته و تصاویری از دفاتر این دو رسانه و چهره‌های تأثیرگذار آن دوره، از جمله مرحوم عسکری صحرایی (نماینده کیهان در گران) و مرحوم منوچهر نوازش (مدیر و صاحب‌امتیاز شمال ایران)، در آن دیده می‌شود.



■ برای تماشای قدیمی‌ترین فیلم از تاریخ مطبوعات گران و دشت بُرشی از فیلم مستند «اون شب که بارون اومد»، ساخته کامران شیردل، به صفحه آپارات مؤسسه فرهنگی میرداماد مراجعه کنید.

www.aparat.com/mirdamad_org

■ اخبار استرآباد از دوره قاجار، تا انتشار نامه قابوس

بخش اصلی نشست به ارائه پژوهشی محمود اخوان مهدوی، پژوهشگر تاریخ محلی سرزمین گرگان و استرآباد، اختصاص داشت، که با نمایش اسناد و تصاویر تاریخی همراه بود. وی با در نظر گرفتن سلیقه و پذیرش مخاطب عمومی، ابتدا مبانی را مرور و سپس به شرح تفصیلی فعالیت‌های مطبوعاتی منطقه پرداخت.

بازتاب اخبار استرآباد در مطبوعات دوره قاجار

به گفته اخوان، از همان ابتدای انتشار مطبوعات رسمی ایران، اخبار استرآباد نیز در نخستین نشریات بازتاب یافته است؛ او به نسخه‌ای از نشریه «کاغذ اخبار» اشاره کرد، که به نوعی نخستین نشریه ایران به شمار می‌آید و در آن، اخبار مربوط به سرکوب تراکمه گوکلان در شرق گرگان درج شده است؛ به گفته او، از مجموع پنج-شش شماره شناخته شده کاغذ اخبار که در دسترس است، دست‌کم در دو-سه شماره‌ی آن، اخبار مربوط به تراکمه شرق استرآباد و صحرا (گرگان و دشت) دیده می‌شود.

او هم‌چنین نمونه‌هایی از نشریات قاجاری «وقایع اتفاقیه» و «دولت علیه ایران» را نشان داد و توضیح داد که شاید نخستین خبر مصور مربوط به استرآباد، ذیل ستون «اخبار دارالمرز» در نشریه «دولت علیه ایران» منتشر شده باشد؛ گزارشی درباره درویشی که در استرآباد سوگند دروغ خورده و در حالی که در صف نماز آقا سیدصادق مجتهد عقیلی، مشغول خواندن نماز است، از سجده برنمی‌خیزد. تصویر این رویداد نیز ذیل خبر چاپ شده، که به نظر می‌رسد نخستین خبر مصور استرآباد در تاریخ مطبوعات باشد!

اسلایدهای بعدی، نمونه‌هایی از روزنامه «ملّتی» (یا ملّت سَنیه ایران) و روزنامه «ایران» و «ایران سلطانی» را نشان می‌داد. به گفته اخوان، شاید روزنامه ایران، در بین استرآبادی‌ها پرمخاطب‌ترین نشریه بوده و اغلب قشر باسواد و دنبال‌کنندگان اخبار ایران و جهان، هم در دوره قاجار و هم در دوره پهلوی اول، مشترک این نشریه بوده‌اند. در ادامه، نمونه‌ای از نشریه محلی «بشارت» که در دوره قاجار در مشهد منتشر می‌شد و در صفحه نخست آن خبری از استرآباد درج شده بود، به نمایش درآمد.

اخوان یادآور شد که این بازتاب‌ها، در همه این نشریات ازجمله وقایع اتفاقیه، دولت علیه ایران، ملت سَنیه ایران و روزنامه ایران و ایران سلطانی، عموماً در حد ستون‌های خبری کوتاهی بوده که از سوی حکومت و از طریق مخبرین یا وقایع‌نگارهای محلی برای مرکز ارسال می‌شده است. اما از دوره مشروطه به بعد، با ظهور نشریات مردمی و مخالف حکومت، شکل دیگری از اخبار منطقه، در نشریات این دوره انعکاس یافته است. سند دیگری که او معرفی کرد، گزارشی از سازمان اسناد مجلس شورای ملی بود درباره فردی به نام «موکولوف»، خبرنگار روزنامه روسی «روسکی ایلو» در بندرگز، که نشان می‌دهد روس‌ها در اواخر دوره قاجار در بندرگز روزنامه‌ای به زبان روسی منتشر می‌کرده‌اند. اخوان اضافه کرد که هرچند به ضمیمه‌ی این عریضه، یک نسخه از روزنامه روسکی ایلو نیز برای مجلس ارسال شده، لکن تاکنون نه در مجلس و نه در جای دیگری، هیچ نمونه‌ای از این نشریه به دست نیامده است.

■ شیوه توزیع نشریات و سهمیه اجباری استرآباد

اخوان توضیح داد که توزیع و ارسال نشریات در دوره قاجار، به چند شکل انجام می‌شده: نخست اشتراک اجباری، که در آن حکومت حکم می‌کرد عده‌ای معین باید نشریه دولتی را بپذیرند؛ دوم اشتراک اختیاری، که بیشتر تجار و رجال و صاحب‌منصبان محلی داوطلبانه مشترک می‌شدند؛ و سوم نظام نمایندگی و وکالت در دفاتر نشریات که مربوط به سال‌های متأخرتر است.

او سندی جالب از دوره ناصرالدین‌شاه ارائه کرد که بر اساس آن، مستوفی‌الممالک موظف بود به تناسب تعداد مقرری‌بگیران هر ولایت، تعداد نشریاتی را که آن ولایت باید بپذیرد تعیین کند؛ برای نمونه اگر ولایتی مانند خراسان هفتصد مقرری‌بگیر دولتی داشت، موظف بود صدوسی نسخه از نشریات دولت علیه و ملتی و مانند آن را دریافت و بابتش هزینه هم بپردازد. در فهرستی که مستوفی‌الممالک به خط سیاق تهیه کرده بود، غیر از دارالخلافه تهران، ولایت‌های بزرگی چون آذربایجان بزرگ، خراسان بزرگ، کرمانشاهان و فارس، بیش از صد عضو داشتند؛ در رده دوم، ولایاتی بودند که بین ۲۰ تا ۳۵ مشترک داشتند؛ در این گروه، گیلان با سی‌وپنج نفر عضو در جایگاه نخست، استرآباد با سی‌وچهار نفر در جایگاه دوم، مازندران و اصفهان هر یک با سی نفر عضو در جایگاه بعدی قرار داشته‌اند؛ در رده‌های پایین‌تر، ولایاتی مانند دامغان و سمنان مجموعاً تنها شش روزنامه‌خوان اجباری داشتند. اخوان مهدوی تأکید کرد این ارقام لزوماً بازتاب جایگاه فرهنگی واقعی استرآباد نبوده، بلکه تعداد روزنامه‌های ارسالی، صرفاً بر اساس میزان مقرری و تعداد مقرری‌بگیران هر منطقه، تعیین می‌شد و اگر حق اشتراک را پرداخت نمی‌کردند، هزینه نشریات ارسالی، از همان مقرری آنان کسر می‌شده است.

در ادامه، پس از نمایش نمونه‌هایی از اسناد مکاتبات و قبوض اشتراک نشریه ایران در بین اسناد خانواده‌های استرآبادی، صفحاتی از «کتابچه مشترکین روزنامه فرهنگ» در سال ۱۳۰۶ خورشیدی را نشان داد و گفت: هرچند نام ولایت استرآباد در فهرست مشترکین این نشریه دیده نمی‌شود، لکن در بخش مشترکین خارجه و ذیل مشترکین حاجی‌طرخان (آستاراخان کنونی)، نام آقاصفر علی‌اف تاجر استرآبادی ساکن آستاراخان دیده می‌شود.

سپس، سه برگ سند دیگر، که به لطف مهندس عباس کریمیان (از حاضران در جلسه) در اختیار مؤسسه قرار گرفته، نمایش داده شد؛ این اسناد مربوط به اشتراک نشریه «شفق سرخ» به نام میرزا احمد کریمیان و نشریه «دانشکده فلاح» (مجموعه عالی فلاح کرج) به نام میرزا عباس کریمیان (پدربزرگ مهندس کریمیان) بود. در ادامه، اخوان ضمن توضیح تأثیر نشریات بر فضای فکری جامعه استرآبادی، صفحه نخست و مقدمه سفرنامه میرزاغلامرضا ریاضی (سال ۱۳۰۵ خورشیدی) را نشان داد؛ سفرنامه‌ای که ریاضی در مقدمه‌اش نوشته: «سال‌ها بود که کثرت قرائت جراید، مرا به مسافرت مرکز مملکت تشویق کرده بود» و هدفش دیدن تریبون مجلس بوده است؛ نمونه‌ای که به گفته اخوان نشان می‌دهد روزنامه‌خوانی حتی در پیدایش سنت سفرنامه‌نویسی منطقه نیز تأثیرگذار بوده است.



از راست: ۱- میرزا آقاخان مکافات ۲- میرزا غلامرضا ریاضی ۳- میرزا مهدی باقری ۴- میرزا علی اصغر شفیعی
(چهار نفر از زمینه سازان گذار از فرهنگ سنتی به فرهنگ مدرن در استرآباد)

■ زمینه سازان دوران گذار

اخوان توضیح داد که در دوره مشروطه و اندکی پس از آن، در استان‌هایی مانند آذربایجان، گیلان، مازندران و اصفهان موج ترقی و گسترش مطبوعات محلی شکل گرفت، اما در استرآباد این موج با چندین سال تأخیر و از حدود سال ۱۳۰۰ خورشیدی به بعد، آغاز شد. او با نمایش عکس چهار چهره، از شخصیت‌های روشنفکر و تأثیرگذار استرآباد، تأکید کرد که این افراد، هرچند به‌تنهایی نشریه‌ای منتشر نکردند، اما زمینه‌ساز گذار از فضای سنتی به فضای مدرن مطبوعاتی منطقه بودند:

نخستین شخصیت، میرزا آقا مکافات مرندي، رئیس معارف استرآباد در سال ۱۳۰۳، که پیش از آمدن به استرآباد، در آذربایجان نشریه «مکافات» را منتشر می‌کرد و در زمان حضور کوتاه‌اش در استرآباد، تأثیر قابل توجهی بر فضای فرهنگی شهر داشت.

دومین شخصیت، میرزا غلامرضا ریاضی، از چهره‌های تأثیرگذار، که کلپ پرورش استرآباد را در سال ۱۳۰۴ تأسیس کرد و پیش از آن که قانون تأسیس کلاس‌های اکابر در کشور تصویب شود، در استرآباد کلاس اکابر دایر کرده بود. او در سال ۱۳۰۶ خورشیدی درگذشت و عمرش کفاف نداد در تحولات بعدی نقشی ایفا کند. سومین شخصیت، میرزا مهدی باقری، معروف به «میرزا باقری»، که از بدو تأسیس روزنامه اطلاعات در سال ۱۳۰۵، نخستین نماینده این روزنامه در گرگان بوده است؛ او به دلیل ارتباط خانوادگی‌اش با عموی آقای مسعودی (بنیان‌گذار اطلاعات) که در گرگان ساکن بود، به این سمت رسید و نمایندگی نشریات دیگری را نیز برای سال‌های طولانی برعهده داشت. به گفته اخوان، میرزا باقری یک تاجرزاده استرآبادی، از خانواده‌ای مشهور به «باقراف» بود، که خانه تاریخی باقری متعلق به این خانواده، هنوز در محله نعلبندان گرگان باقی و برقرار است؛ میرزا مهدی باقری تا سال ۱۳۲۰ به‌طور انحصاری و شخصی توزیع نشریاتی چون ایران، اطلاعات، داد، رعد، امیدایران و... را در منطقه برعهده داشت و پس از او، پسرش اسداله باقری نیز نمایندگی اطلاعات و کیهان و... را ادامه داد.

چهارمین شخصیت، میرزا علی اصغر تقی‌اف یا شفیعی، از خانواده تقوی گرگان بود، (به اعتبار نام جدشان، حاج

محمد تقی تاجر استرآبادی، به «تقی اف» و بعد «تقوی» شهرت یافتند و علی اصغر شفیعی به اعتبار نام پدرش حاج محمد شفیع استرآبادی، نام خانوادگی «شفیعی» را برای خود برگزید. او در سال ۱۳۰۳ خورشیدی درخواستی به وزارت معارف ارائه داد، تا نشریه‌ای به نام «جرعان» منتشر کند؛ در پاسخ از او خواسته شد نام خانوادگی اش را از «تقی اف»، به نام دیگری تغییر دهد و او این نام را به «شفیعی» تغییر داد و باز هم پیگیری‌ها را ادامه داد و میرزا آقا مکافات نیز که ریاست معارف استرآباد را برعهده داشت، سفارش نامه‌ای برای او به وزارت معارف نوشت. اما ظاهراً شفیعی هرگز موفق به انتشار نشریه اش نشد. چرا که هیچ گزارش یا نسخه‌ای از آن تاکنون یافت نشده است. یک سال بعد، در ۱۳۰۴ خورشیدی، مَهر او روی جلد جزوه «قانون مالیات املاک اربابی» دیده می‌شود؛ مَهری با عنوان «کتابخانه و مغازه اقتصاد شفیعی- استرآباد»، که نشان می‌دهد علی اصغر شفیعی، ادامه‌ی دغدغه‌های خود را با دایرکردن یک کتابفروشی در استرآباد، پیگیری کرد. البته لازم به یادآوری است که در آن زمان و حتی تا زمان کودکی خود ما به کتابفروشی، «کتابخانه» می‌گفتند. پس منظور از «کتابخانه» در این مَهر، همان کتابفروشی بوده است. در ضمن جا دارد که از آقای مهندس عباس کریمیان تشکر کنم که چند روز پیش تصویر این مَهر را در اختیار مرکز اسناد میرداماد قرار داد.

اخوان هم‌چنین دو سند دیگر از میرزامهدی باقری نشان داد: ۱- تلگرافی که او در بازگشت از سفری به تهران در دوره پهلوی اول، برای اصحاب نشریات فرستاده و در آن، ضمن عذرخواهی بابت عجله در بازگشت، از الطاف و میهمان‌نوازی آن‌ها تشکر کرده و در پایان، خود را «نماینده و خبرنگار روزنامه یومیه اطلاعات» معرفی کرده است. ۲- فهرست تک‌فروشی روزنامه «داد»، که نشان می‌دهد، او نمایندگی فروش این روزنامه را نیز برعهده داشته است.

■ انتشار «نامه قابوس»؛ نخستین نشریه گرگان

نقطه عطف فعالیت‌های مطبوعاتی در گرگان و دشت، انتشار نشریه هفتگی «قابوس» توسط محمدعلی خان سپهر، معروف به «عبهری» بود، که بعدها این نشریه به «نامه قابوس» شهرت یافت. مجوز این نشریه در سال ۱۳۱۳ خورشیدی صادر و نخستین شماره آن در سال ۱۳۱۴ خورشیدی منتشر شد. این نشریه، نخستین نشریه شناخته شده گرگان است. به همین دلیل، عبهری را «پدر روزنامه‌نگاری گرگان» می‌نامند.



نامه قابوس حدود یک سال فعالیت کرد و در اردیبهشت ۱۳۱۵، پس از انتشار سی و پنج شماره، تعطیل شد. مؤسسه فرهنگی میرداماد آرشو نسبتاً کاملی از این نشریه را در اختیار دارد، که نمونه مشابه‌اش جای دیگری دیده نشده؛ بخشی از شماره‌ها به لطف مرحوم محمدتقی عبهری ساکن کرج به دست آمد و بخش دیگری از شماره‌های این نشریه، از داخل خانه‌های متروکه و مخروبه‌ی بافت تاریخی گرگان یافت شده‌اند؛ در حالی که این نشریات به عنوان روزنامه باطله در کف صندوق‌ها و روی طبقه کمد‌ها، یا کف کتوهای پهن شده بودند. در پایان این بحث، اخوان تصویری از شماره اول (بهار ۱۳۱۴) و شماره آخر (اردیبهشت ۱۳۱۵) این نشریه را نیز نشان داد. در ادامه، او به پیشینه چاپخانه‌ای پرداخت که نامه قابوس در آن چاپ می‌شد: چاپخانه گرگان، که در آن زمان تازه تأسیس بود. اخوان مهدوی توضیح داد که برخلاف تصوّر رایج، که احمدعلی ریحانی را بنیان‌گذار چاپخانه گرگان می‌دانند (هرچند او واقعاً در تداوم فعالیت این چاپخانه زحمت زیادی کشید)، اما امتیاز اصلی این چاپخانه در ابتدا در اختیار نهاد نظامی و فرماندار نظامی گرگان، سرهنگ احمدخان حکیمی بود. اندکی بعد، چاپخانه در قالب شرکت تضامنی، با مشارکت آقایان پارسا و شریفیان اداره می‌شد. احمدعلی ریحانی هم که در آن‌جا به عنوان تکنسین فعالیت می‌کرد، بعدها مالکیت چاپخانه را به دست گرفت و آن را با همان نام «چاپخانه گرگان» اداره کرد.

یکی دیگر از شرکای چاپخانه، محمد سپاهانی [متخلص به شیوا] کارمند اداره برق گرگان بود، که همراه آقای دهش (رئیس زرتشتی اداره برق گرگان) از اصفهان به گرگان آمده و به عنوان تکنسین کارخانه برق مشغول به کار شده بود. سپاهانی پیش‌تر در اصفهان، همراه با آقای شیدا، نشریه «دانشکده» را منتشر می‌کرده است؛ او وقتی دید در چاپخانه‌ی گرگان نشریه‌ای چاپ می‌شود، با عبهری وارد مذاکره شد و از شماره دوم نامه قابوس، سردبیری نامه قابوس را برعهده گرفت.

محمود اخوان، خاطره جالبی هم از ماجرای شناسایی محمد سپاهانی تعریف کرد و گفت: در سال ۱۳۹۰، با کمک یکی از دوستان اصفهانی، پسر آقای محمد سپاهانی؛ یعنی ابراهیم سپاهانی، را که در میدان چهارباغ اصفهان یک کتابفروشی به نام «کتابفروشی فرهنگ» دارد، پیدا کردیم و من در همان سال حضوراً به خدمت ایشان رسیدم و در همان کتابفروشی با ایشان ملاقاتی داشتم. آقای ابراهیم سپاهانی می‌دانست پدرش در کارخانه برق گرگان کار کرده، اما از این‌که او در گرگان نشریه‌ای هم منتشر کرده بی‌خبر بود و از دیدن شماره‌ای از نامه قابوس، که نام پدرش را به عنوان سردبیر معرفی می‌کرد، بسیار شگفت‌زده شد.

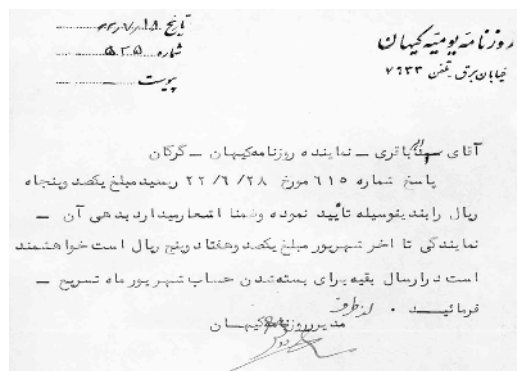
سپس اخوان مهدوی نخستین و تنها شماره مصوّر نامه قابوس را نشان داد؛ شماره‌ای از این نشریه که در آن عکس رضاشاه چاپ شده است. او هم چنین اطلاعیه‌ای از محمدعلی عبهری مورّخ آبان ۱۳۲۱ را به نمایش گذاشت، که در آن محمدعلی عبهری اعلام کرده بود: «هرچند قصد داشتیم انتشار نامه قابوس را در همین آبان‌ماه از سر بگیریم، اما این کار به تعویق افتاد و قرار شد در آذرماه انجام شود». اما با این حال، به گفته اخوان، پس از این اطلاعیه، دیگر هیچ خبری از ادامه فعالیت نامه قابوس در دست نیست.

■ عکس یادگاری چهارپیشگام مطبوعات گرگان

در یکی از پربارترین بخش‌های ارائه، اخوان مهدوی عکسی از سال ۱۳۰۳ را به نمایش گذاشت، که به گفته او از نظر تاریخ مطبوعات منطقه بسیار ارزشمند است. اخوان پیش از آن که توضیحاتی در مورد عکس ارائه دهد، گفت خیلی‌ها این عکس را تاکنون ندیده‌اند و عده‌ای معدودی هم که آن را دیده‌اند، مسلماً چون افراد داخل این عکس را نمی‌شناسند، از اهمیت تاریخی آن بی‌اطلاع هستند. سپس با معرفی شخصیت‌های حاضر در این عکس، از میان آنان چهار شخصیت برجسته در تاریخ مطبوعات منطقه را معرفی کرد:

نخستین شخصیت، میرزا علی اصغر شفیعی (متقاضی انتشار نخستین نشریه استرآباد، به نام نشریه «جرجان») که در همان سال ۱۳۰۳ که این عکس گرفته شده، درخواست انتشار روزنامه را به وزارت معارف ارائه داده است. از دیگر شخصیت‌ها، میرزا غلامرضا ریاضی است؛ کسی که دو سال بعد از تاریخ این عکس؛ [یعنی در سال ۱۳۰۵] تحت تأثیر مطالعه روزنامه‌های سراسری، سفرنامه تهران را نوشته است. سومین شخصیت، میرزامهدی باقری است، که او هم دو سال بعد از تاریخ این عکس (۱۳۰۵ خ) نمایندگی روزنامه اطلاعات به وی محوّل شده و بدین طریق نخستین نماینده روزنامه اطلاعات در استرآباد بوده است. آخرین شخصیت نیز محمدعلی عبهری است، که یازده سال بعد از این عکس، نخستین روزنامه گرگان موسوم به «نامه قابوس» را منتشر کرد. به گفته اخوان، این افراد با وجود مسیرهای متفاوت بعدی‌شان، از یک جمع فرهنگی مشترک برخاسته بودند. او هم‌چنین در پایان توضیحات این عکس، به یکی دیگر از شخصیت‌های حاضر در عکس، به نام زین‌العابدین خان رحیمی، به عنوان چهره‌ی تأثیرگذار دیگری در نشر و توزیع مطبوعات در منطقه، اشاره کرد.

اخوان در ادامه‌ی صحبت‌های خود، به معرفی و نمایش اسنادی درباره‌ی اسداله باقری، فرزند میرزامهدی باقری، پرداخت؛ طبق این اسناد، او در سال ۱۳۲۲ نماینده‌ی روزنامه کیهان بوده و در دهه‌ی ۱۳۴۰ نیز به‌خاطر فعالیت‌اش در روزنامه اطلاعات، مورد قدردانی قرار گرفته است.



■ تقدیر از یک اقدام فرهنگی

پس از نمایش اسنادی از اسداله و میرزامهدی باقری، اخوان به یک اقدام فرهنگی و قابل تقدیر اشاره کرد؛ او گفت: چند سال پیش دوست عزیزم آقای عظیم ولی الهی به من خبر داد که یکی از دوستان مشترکمان به نام آقای عباس افتخاری، که شغل ایشان، فروش متریال و مصالح چوبی ساختمان‌های قدیمی است، تعدادی اوراق و اسناد قدیمی پیدا کرده و قرار شد برویم آن اوراق را ببینیم. شرایط شغلی آقای افتخاری چنین ایجاب می‌کند که بعضی بناهای قدیمی را که مجوز تخریب دارند، خودش شخصاً و اجینی و تخریب می‌کند، تا مصالح قابل بازیافت این بناها، آسیب ندیده و دوباره قابل استفاده باشند. درواقع روزگار آقای افتخاری از این طریق می‌گذرد. به هر حال، وقتی ایشان تخریب خانه‌ی مرحوم اسداله باقری در روستای زیارت را کنترات می‌گیرند، این اوراق را نیز در آن خانه به دست آورده بودند. بنده هم وقتی اوراق را دیدم و پرسیدم که مکان بنای تخریبی در کجا بوده ایشان گفتند: در روستای زیارت! فهمیدم این اسناد از خانه ییلاقی اسداله باقری بیرون آمده است. پس بلافاصله تصمیم گرفتم این اوراق را به هر قیمتی که شده خریداری کنم. آقای افتخاری اوراق را در اختیار من قرار دادند و من هم اوراق را با خودم برداشتم و رفتم. بعداً وقتی برای تعیین قیمت و پرداخت وجه اوراق، با آقای افتخاری صحبت کردم، ایشان بیان داشت: «من احساس کردم این اوراق به کار کسی خواهد آمد و حیف است که در آنجا بماند و لای نخاله‌های ساختمانی از بین برود!» و در نهایت، ایشان هیچ پولی از من دریافت نکرد. و این اقدام ایشان واقعاً جای تقدیر و تشکر دارد، چراکه شغل و منبع درآمد ایشان اساساً از همین راه بوده و هست!

■ موج‌های بعدی نشر مطبوعات در گرگان و دشت

اخوان مهدوی در ادامه به معرفی نشریاتی پرداخت که پس از تعطیلی نامه قابوس منتشر شدند؛ از جمله «ندای گرگان» (یا نامه گرگان/ ترکمن سسی) که از سال ۱۳۲۵ به دوزبان فارسی و ترکمنی، به صاحب امتیازی احمد قاسمی (از چهره‌های شاخص حزب توده ایران و رئیس حزب توده گرگان و دشت) و سردبیری یوسف معصوم‌آبادی، در گرگان منتشر می‌شد. در دهه‌های بعد، نشریاتی چون «اثر» و «نهضت» در مازندران، بخشی از صفحات خود را به اخبار گرگان و دشت اختصاص می‌دادند، و منوچهر نوازش با نشریه «شمال ایران» راه این نشریات را در دهه چهل ادامه داد.

اخوان اضافه کرد که در دوران نخست‌وزیری دکتر محمد مصدق، فضای سیاسی کمی باز شده و شرایطی شبیه به دوران پس از دوم خرداد و ریاست جمهوری سید محمد خاتمی پدید آمد؛ در این دوره افراد زیادی اقدام به دریافت مجوز نشریه نمودند، که احتمالاً برخی از آن‌ها در حد همان مجوز باقی مانده و اصلاً منتشر نشدند و برخی دیگر نیز در حد اطلاعیه‌های انتخاباتی تک‌برگی با عنوان «فوق‌العاده روزنامه فلان و فلان» منتشر می‌شدند. از جمله این نشریات می‌توان به «اصناف گرگان» به صاحب امتیازی محمدابراهیم برادران (۱۳۳۰خ)، «رستاخیز گرگان» به صاحب امتیازی سیدصادق میرشهیدی، که البته شماره‌هایی از آن موجود است، یا نشریه «پیام گرگان» به صاحب امتیازی عباس مهرآیین، که اتفاقاً از این نشریه نیز شماره‌های متعددی موجود

است، یا نشریه «صدای گرگان» به صاحب امتیازی علی اکبر رهبر، که چندین شماره فوق العاده از آن وجود دارد، که به تبلیغات انتخاباتی پرداخته است. یا نشریه «اتحاد تراکمه گوکلان»، به سرپرستی عبدالله غفوری، (از سال ۱۳۳۲) که از این نشریه هم چندین شماره در دست است؛ البته «اتحاد تراکمه گوکلان» نام گروهی بود که به سرپرستی عبدالله غفوری، از سال ها قبل اطلاعیه هایی تک برگی را منتشر کرده و بدین طریق اخبار منطقه را انتشار می دادند و نمونه هایی از این اطلاعیه ها نیز نزد دوست عزیزم آقای دکتر ستار فجوری موجود است. وی ادامه داد، در این دوره افراد دیگری چون دکتر حسین فلسفی، سیدابراهیم مفیدی و... نیز مجوز انتشار نشریاتی را دریافت کرده اند که تاکنون چیزی از این نشریات به دست نیامده است. سپس اخوان با اشاره به یکی از فعالان فرهنگی و مطبوعاتی این دوره به نام تورج آزادراد، گفت: این آقای آزادراد آدم عجیبی بوده، چون خودش اقدام به دریافت مجوز روزنامه نکرده، اما سراغ کسانی رفته که مجوز روزنامه داشته اند، اما فعال



نبودند، پس آزادراد با مجوز آن ها اقدام به انتشار نشریه نموده، که از آن جمله نشریات «قیام شمال» و «برای شمال» هستند، که به نوعی بنیان گذار و سردبیر هردو نشریه تورج آزادراد بوده است. در این بخش از برنامه، اخوان یکی از نشریات ناشناخته گرگان را رونمایی کرد، که تاکنون نه اسم آن در فهرست مطبوعات گرگان قید شده و نه کسی از وجود آن خبر داشته است؛ این نشریه نیز به سردبیری تورج آزادراد منتشر می شده و نام آن «قیام گرگان» بوده است. سپس اخوان به فعالیت های منوچهر نوازش، داماد محمدآخوند گرگانی و همسر دکتر مهین دخت گرگانی، اشاره کرد، که در ابتدا با نشریه «نهضت» در مازندران و سپس با «شمال ایران» در مازندران و گرگان، پُرتریزترین نشریه تاریخ مطبوعات منطقه در ایام پیش از انقلاب ۱۳۵۷ را منتشر کرده است.



نشریه (ندای ده) - نشریه روستای محمدآباد گرگان - اردیبهشت ۱۳۴۰

در ادامه، از نشریه «ندای ده»، که در دهه چهل در روستای محمدآباد گرگان، به شکل روزنامه دیواری منتشر می‌شد، به عنوان قدیمی‌ترین نشریه روستایی شناسایی شده منطقه یاد کرد.

وی در ادامه‌ی ارائه‌ی خود اعلام داشت: در حوزه تاریخ مطبوعات گرگان و دشت (استان گلستان) تاکنون اقداماتی صورت گرفته، کتاب‌ها، کتابچه‌ها و مقالاتی نوشته شده است؛ نخستین فهرستی که از نشریات قدیمی گرگان منتشر شده، فهرستی است که استاد اسداله معطوفی در کتاب «تاریخ فرهنگ و ادب گرگان و استرآباد» ارائه نموده و به نسبت، فهرست کامل و درستی محسوب می‌شود، که مبنای پژوهش‌های بعدی نیز قرار گرفته است. اما مسئله این است که تمامی کتاب‌ها و کتابچه‌ها و مقالاتی که تاکنون در مورد تاریخ مطبوعات گرگان و دشت نوشته شده، نشان می‌دهد که پژوهشگران و نویسندگان، خود نشریات را در اختیار نداشته‌اند و ندیده‌اند. اکنون ما برای نخستین بار نمونه‌هایی از این نشریات را به شما نشان خواهیم داد. اخوان در قسمت پایانی ارائه‌ی خود، به دلیل محدودیت زمان، تنها به نشان دادن نمونه‌هایی از تصاویر نشریات گهگاهی وابسته به نهادها و گروه‌های فعال در گرگان و دشت بسنده کرده و در پایان نیز نمونه‌هایی از نشریات منتشر شده در سال‌های آغازین پس از پیروزی انقلاب ۱۳۵۷ را به نمایش گذاشت، که در بین این نشریات نیز نمونه‌هایی بودند که تاکنون دیده نشده و در تاریخ مطبوعات منطقه نامی از آن‌ها به میان نیامده است.

در جمع‌بندی این بخش، رحمت اله رجائی، تاریخ مطبوعات منطقه را در چهار دوره کلی خلاصه کرد: از ۱۳۱۴ تا ۱۳۵۷ (آغاز و تثبیت نشریات محلی)، از ۱۳۵۷ تا حدود ۱۳۶۰-۱۳۶۱ (موج انتشار نشریات با غلبه گرایش‌های

چپ)، از آن سال‌ها تا ۱۳۷۶-۱۳۷۷ (دوره‌ای نسبتاً کم‌رونق در انتشار مطبوعات محلی) و از ۱۳۷۶-۱۳۷۸ به بعد (موج تازه‌ای از انتشار نشریات که تا امروز ادامه دارد). در این میان، از روزنامه «گلشن مهر» به عنوان یکی از نشریاتی که هم‌چنان به تاریخ مطبوعات منطقه می‌پردازد، یاد شد.

■ تاریخ شفاهی مطبوعات و خاطره‌گویی اصحاب مطبوعات گرگان و دشت

در ادامه‌ی نشست، به مناسبت جشن صدسالگی روزنامه اطلاعات، از آقای نوروزی، سرپرست کنونی نمایندگی روزنامه اطلاعات در استان گلستان، که از نیمه دوم دهه پنجاه با این روزنامه همکاری می‌کند، دعوت شد تا به روی سن آمده و به بیان بخشی از خاطرات مطبوعاتی خود بپردازد. آقای نوروزی نیز خاطره‌ای از نخستین مأموریت خبری خود در سال ۱۳۵۵ را روایت کرد؛ زمانی که به عنوان حسابدار به استخدام دفتر روزنامه اطلاعات درآمد بود، اما به ناگهان مأمور به انجام نخستین مصاحبه خبری خود شد. او این خاطره را با احترام به استاد خود، محمود میرکریمی، که سرپرستی روزنامه اطلاعات در استان را برعهده داشت، خاتمه داد و برای او آرزوی سلامتی کرد.

در ادامه، آقای نیک‌پیام نیز خاطره‌ای از دوران دانشجویی خود بازگو کرد؛ زمانی که مطلبی با عنوان «انتظار استان شدن گرگان کی به پایان می‌رسد؟» نوشت و با امضای جمعی از دانشجویان، از طریق آقای نوروزی برای بهروز صادقی، سردبیر روزنامه اطلاعات، ارسال شد و سرانجام در آن روزنامه به چاپ رسید.

■ بخش دوم: بازدید از نمایشگاه و کتابخانه میرداماد

پس از پایان بخش ارائه، ضمن قدردانی از حضور مدیرکل و نمایندگان اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان و اعضای سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (شعبه مازندران)، کلیپ کوتاهی از فعالیت‌های مرکز اسناد پخش شد. در ادامه، حاضران به نگارخانه مؤسسه دعوت شدند، تا از نمایشگاه تاریخ مطبوعات گرگان و استرآباد که توسط مرکز اسناد مؤسسه فرهنگی میرداماد گردآوری شده بود، بازدید کنند. در این بخش، تعداد ۲۲ تابلو، شامل نمونه‌هایی از مطبوعات قدیمی و اسناد مربوط به تاریخ مطبوعات گرگان و دشت و عکس‌هایی از قدیمی‌ترین فعالان مطبوعاتی منطقه، به معرض نمایش درآمد. ضمن بازدید حضار از نمایشگاه، محمود اخوان توضیحات مختصری در مورد اسناد و مدارک نمایش داده شده ارائه نمود و بیان داشت: آقای سیدمهدی سیف‌حسینی عکسی از مسابقات روزنامه‌نگاری مدارس گرگان در دی‌ماه ۱۳۴۴ را در اختیار ما قرار دادند، که این عکس نیز خود بخشی از اسناد و مدارک تاریخ مطبوعات منطقه است. سپس از آقای سیف‌حسینی خواست خاطرات خود از برگزاری آن مسابقه را بیان کند، که ایشان نیز با بیانی شیوا و شیرین، خاطره‌ی خود از برگزاری مسابقات روزنامه‌نگاری یادشده را برای حضار بازگو کرد و گفت: این نشریه از بین ۱۸ نشریه، از نظر مطلب مقام دوم را کسب کرد و از نظر کلیات، صاحب مقام چهارم شد.

در ادامه‌ی بازدید، حضار به لابی سالن کتابخانه راهنمایی شدند، که در آن‌جا نمونه‌هایی از مجلدات انواع نشریات سراسری و استانی موجود در بخش مطبوعات کتابخانه به نمایش درآمد. در این بخش، ابتدا



نمایشگاه آرشیو مطبوعات مؤسسه فرهنگی میرداماد،
به همراه معرفی بخش مطبوعات مؤسسه، توسط رحمت‌اله رجایی

آقای احمد خواجه نژاد مدیرعامل مؤسسه فرهنگی میرداماد، توضیحات مختصری در مورد بخش‌ها و فعالیت‌های مؤسسه ارائه داده و در ادامه آقای رحمت‌اله رجایی نیز به معرفی کامل بخش مطبوعات و منابع تاریخ مطبوعات موجود در کتابخانه پرداختند. لازم به توضیح است که آقایان احمد خواجه‌نژاد و رحمت‌اله رجایی، از پیشکسوتان عرصه مطبوعات استان و عضو شورای راهبردی نشست‌های فرهنگی آشنایی با سرزمین مادری و از اعضای اصلی دوره‌های سرای فرهنگ و رسانه می‌باشند.

پانزدهمین نشست سرزمین مادری، با استقبال پرشور علاقه‌مندان فرهنگ و تاریخ منطقه، در شامگاه ۲۷ مردادماه ۱۴۰۵ به پایان رسید؛ نشستی که نشان داد پیشینه مطبوعاتی گرگان و استرآباد، از نخستین بازتاب اخبار منطقه در نشریات دوره قاجار، تا انتشار نخستین نشریه محلی در سال ۱۳۱۴ و موج‌های بعدی روزنامه‌نگاری محلی، هنوز بخش‌های ناگفته و اسناد کشف‌نشده بسیاری دارد، که می‌تواند موضوع پژوهش‌ها و نشست‌های آینده باشد. در پایان این نشست، اغلب حضار ضمن اعلام رضایت از کیفیت برنامه، درخواست داشتند که نشست دیگری در تکمیل این برنامه و در مورد تاریخ مطبوعات منطقه از انقلاب ۱۳۵۷ تاکنون نیز برگزار شود.

■ برای تماشای فیلم کامل پانزدهمین نشست سرزمین مادری (پیشینه مطبوعات گرگان) به صفحه آپارات مؤسسه فرهنگی میرداماد مراجعه کنید.

www.aparat.com/mirdamad.org